

خلاصه مقالات

عدالت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام

از عدالت تعاریف مختلفی ارائه شده؛ تساوی، برابری و هر چیزی در جای مناسب خود قرار گرفتن، لیکن همگان اشاره به یک حقیقت دارند که تناسب و شایستگی در هر چیز است. عدالت که رعایت تناسب در هر چیز است در جهان هستی دارای اصالت و حقیقت است و امری اعتباری و قرار دادی نیست. امام علی علیه السلام هستی خود را با هستی و عدالت تکوینی که در جهان آفرینش وجود دارد هماهنگ کرد. عدالتی را که در آسمان، زمین و تمام پدیده‌های جهان وجود دارد در زندگی خویش، خانواده، یاران و جامعه مسلمانان پیاده کرد و همه را با آن هماهنگ کرد. وی عدالت را راز بقای حکومت و استمرار و دوام آن می‌داند و آن را هدف عالی در تشکیل حکومت قرار می‌دهد و وظیفه‌ای الهی که خدا بر آن پیمان گرفته است. مردم را نیز در برابر حکومت برای اجرای عدالت و وظیفه‌دار قلمداد کرده است. در اندیشه امام علی علیه السلام حاکم باید عدالت گستر باشد و عدالت خود را با شریک شدن در رنج و غم مردم و زنده کردن احکام دین و داد خواهی ستم‌دیدگان و دادگرفتن از ستمگران آشکار نماید. بهترین بندگان خدا پیشوای عادل است که خود هدایت یافته و دیگران را هدایت می‌کند به مال مردم چشم ندوخته و از ستم کردن بر آنان دریغ نماید.

امام علی چنان عدالت را در سیاست و امور سیاسی گسترش داده که شورا، و مشورت را نیز از نظر دور نداشته و همان گونه که اجرای مشورت در مردم نوعی از عدالت اجتماعی است در چگونگی اجرای آن نیز عدالت را لازم دانسته و به آن سفارش می‌کند و بهترین مشورت را مشورتی قرار داده که عدالت در آن اجرا گردد.

مردم‌سالاری در پیشش و منشی امام علی علیه السلام

در این نوشتار مفهوم دو بعدی مردم‌سالاری از نگاه حضرت علی علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته که عبارتند از: یکم، نقش مردم در حکومت مردم‌سالاری؛ دوم، وظایف حکومت مردم‌سالاری دینی در قبال مردم. در بخش آغازین با اشاره به بحث مشروعیت سیاسی در نظریه شیعه، به محورهای نقش مردم در حکومت از نظر حضرت علی علیه السلام تحت عناوین زیر پرداخته شده است: ۱. نقش مردم در تأسیس حکومت دینی؛ ۲. نقش مردم در نظارت بر حاکمان و حکومت دینی؛ ۳. نقش مردم در مشاوره و نصیحت به رهبران در حکومت دینی؛ ۴. حق مردم در سؤال و استیضاح از حکومت و حاکمان؛ ۵. وظیفه مردم در مخالفت با حکومت در صورت خروج از مدار دین و احکام الهی. در بخش دوم یعنی مسؤولیت‌های حکومت مردم‌سالار در قبال مردم، سعی در ترسیم دیدگاه‌های حضرت امیر در این زمینه شده و به طور محوری درباره سه کارویژه و مسؤولیت حکومت دینی در برابر مردم توضیحاتی داده شده است: ۱. گسترش عدالت و مبارزه با مظاهر مختلف فقر و فساد و تبعیض؛ ۲. توزیع مناصب و مسؤولیت‌ها بر پایه امانت و کفایت (شایسته‌سالاری)؛ ۳. حفظ رابطه حقیقی حاکمان با مردم، ساده زیستی و همطرازی با اقشار پایین جامعه در برخورداری‌های دنیوی.

سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام

این نوشتار در پی آن است که ماهیت، مبانی و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی را در کلام امام علی علیه السلام مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. ماهیت روابط خارجی از دیدگاه امام علی با تأکید بر این که آیا اصل جنگ بر این روابط حاکم است یا اصل صلح، بررسی شده است. با توجه به انسان‌شناسی امام و این که جنگ و صلح ریشه در غرایز و فطرت انسانی دارد، هر دو پدیده جنگ و صلح بر روابط خارجی حاکم می‌باشد؛ اما در نهایت به دلیل آن که صلح ریشه در فطرت انسان دارد و از طرف دیگر هدف اصلی سیاست دینی که همانا سعادت و رفاه دینی و دنیوی بشر است، جز در پرتو صلح و امنیت تحقق نمی‌یابد؛ در این راستا اصل صلح به عنوان یک فاکتور اصلی در ماهیت روابط خارجی دولت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

تحلیلی جامعه‌شناختی از بحران‌های اجتماعی = سیاسی

حکومت علوی علیه السلام

این مقاله در صدد است با به‌کارگیری چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی به تحلیل مشکلات عصر حکومت علوی علیه السلام بپردازد. برای این منظور از دو نظریه اقتدار کاریزماتیک و فرایند عادی سازی آن، و نظریه شکاف‌های اجتماعی استفاده شده است. طبق نظریه نخست برخی از مشکلات عصر پس از پیامبر ۹ ناشی از فرایند اقتدار سنتی عرب، و در نتیجه تعامل این دو اقتدار، شاخه‌های سه‌گانه تسنن، تشیع و خوارج به وجود آمدند؛ از این رو برخی از مشکلات عصر حکومت حضرت علی، محصول چنین تعاملی در فرایند عادی شدن اقتدار کاریزماتیک آن حضرت بود؛ نظریه دوم نیز به بررسی شکاف‌های اجتماعی

موجود در جامعه اسلامی آن روز می پردازد. طبق این نظریه، شکاف‌های اجتماعی با فعال شدن خود و نحوه رابطه آنها با یکدیگر، موجب تحولات اجتماعی - سیاسی می‌گردند.

چاپگاه دنیا در جهان پینی امام علی علیه السلام

مقاله حاضر در دو بخش، بحث خود را متمرکز کرده است:

۱. الگوهای مختلف درباره بینش‌های دنیوی؛
 ۲. تطبیق اندیشه‌های امام علی علیه السلام درباره دنیا با یکی از این الگوها.
- در بخش اول، پنج بینش درباره دنیا الگو بندی شده است: الگوهای مربوط به بینش‌های دو جهان‌نگر؛ الگوهای مربوط به تک جهان‌نگر. الگوهای تک جهان‌نگر در دو قسم دنیا محور و دنیاگریز و الگوهای دو جهان‌نگر در سه قسم دنیای حداکثر، دنیای حداقل و دنیا و آخرت حداکثر تدوین شده است.
- بخش دوم مقاله، مشتمل بر تطبیق دیدگاه امام علی درباره دنیا با الگوی پنجم می‌باشد. به این منظور سخنان و سیره آن حضرت به صورتی جامع - نه بریده - مورد مطالعه قرار گرفته. در این بخش چند نکته محل تأکید قرار گرفته است: چرا امام علی بیشتر به بعد منفی دنیا و مضرات دنیاگرایی پرداخته‌اند؟ جنبه مقایسه‌ای سخنان امام علی بین زندگی دنیوی و اخروی؛ تأکید روی ثروت اجتماعی و فردی و تلقی منفی از فردگرایی افراطی و فلسفه آن؛ توجه به کسب منافع دنیوی از طریق هدف قرار دادن نهایی جهان آخرت (عبور به آخرت از جاده دنیا و ورود به زندگی دنیوی).

قشر بندی اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام

در این مقاله سعی بر این است که ضمن مقایسه مفهوم قشر بندی با مفاهیم مشابه از قبیل «تفاوت»، «نابرابری»، تعریف مشخصی از قشر بندی ارائه شود که با شاخص‌های نابرابری اجتماعی قابل تعریف باشد.

«قشربندی اجتماعی» گر چه ممکن است در آغاز مبتنی بر نایربری‌های طبیعی و استعداد‌های خدادادی باشد، ولی قشربندی همواره میل به نهادی شدن دارد و طی این فراگرد، قشربندی‌های عمده‌ای از قبیل نظام بردگی، نظام کاستی و نظام سلسله مراتبی و نظام طبقه‌ای شکل گرفته است که تحت عنوان «قشربندی نهادمند» مقوله بندی شده است. به زعم نگارنده، امام علی با اصل «قشربندی اجتماعی» مخالفی ندارند، ولی با نهادی شدن آن شدیداً مخالف است؛ از این رو برداشت محافظه کارانه و چپ‌گرایانه از اسلام مطرود است و «مدل قشربندی» ارائه شده از دیدگاه امام علی یک مدل تلفیقی است که ضمن محترم شمردن حاکمیت خصوصی، و اجازه بروز توانمندی‌های ذاتی افراد، تأمین معیشت عامه مردم را در سطح «کفاف» بر جامعه فرض می‌داند.

نهج البلاغه و مبانی خط‌مشی‌گذاری در حکومت

بازگشت نظری و عملی به میراث اسلامی - سیاسی از لوازم بالندگی «تفکر و اندیشه» جدید است، و عمده‌ترین زیر بنای این میراث بزرگ، سیره معصومین علیهم‌السلام بالأخص سیره حکومتی امام علی علیه‌السلام است که بخش عمده آن در نهج البلاغه آمده است. با الگو برداری صحیح و متناسب با زمان از حکومت علوی، می‌توان حکومت حقّه علی ابن ابی طالب علیه‌السلام را یک الگوی تمام عیار برای تمامی عدالت پیشگان و آزادگان معرفی کرد. امام علی به عنوان یک انسان کامل به موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخته و چشم اندازه‌های گرانقدر خویش را در دوران حکومت پنج ساله خود عرضه کرده که نهج البلاغه ثمره این نگرش‌ها و تراوشات فکری و عملی آن حضرت در عرصه سیاست و حکومت است. که به طور مسلم این تراوشات عقلی - و حیاتی امام در کارآمدی نظام اسلامی و بازشناسی مبانی فکری و ارزشی آن راهگشاست این مقاله گامی است در جهت این هدف بلند تا اصول و مبادی حکومت اسلامی را با توجه به میراث سیاسی گرانقدری که در نهج البلاغه نهفته است استخراج کنیم.